



۲۴ جنوری ۲۰۱۴

داکتر سید عبدالله کاظم

امریکا به پایگاه ضرورت دارد و ما به امن وثبات! (برای نیل به این هدف امضای فوری موافقتنامه لازمی است)

در این مقطع حساس که افغانستان دچار بحران چند جانبه سیاسی، اقتصادی و امنیتی است، بین آنچه امریکائی ها میخوانند و آنچه ما به آن اشد ضرورت داریم، یک رابطه مستقیم وجود دارد به این معنی که: موجودیت پایگاه مستلزم امن و ثبات در افغانستان است و امن و ثبات در شرایط موجود بدون پایگاه میسر نمیشود، بنابراین امضای موافقتنامه امنیتی بین افغانستان و امریکا این رابطه «لازم و ملزوم» را بهم وصل میکند و نقطه مهم چرخش در روابط بین دو کشور محسوب میگردد که پس از ختم 2014 آغاز خواهد شد و باید هرچه زودتر این موافقتنامه به امضا برسد. در این مختصر کوشش بر آنست تا رابطه فوق با طرح چند سؤال مورد بررسی قرار گیرد:

چرا پایگاه؟

جواب این سؤال را میتوان از بیانیۀ بارک اوباما رئیس جمهور امریکا به وضاحت دریافت کرد که در اجلاس مشترک سنا و مجلس نمایندگان آنکشور بتاريخ 12 فبروری 2013 در ارتباط با مبارزه علیه تروریسم و افغانستان بیان داشت، او گفت:

«امروز سازمانیکه در 9/11 بر ما حمله کرد، بیک شبهه تبدیل شده است و اما همکاران القاعده و گروه های افراطی از کشورهای عربی تا افریقا بجای آن سر بلند کرده اند. خطر این گروه ها برای ما وجود دارد، ولی برای مقابله در برابر آن ضرورت به اعزام ده ها هزار پسر و دختر خود به خارج نداریم و یا اینکه دیگر کشورها را اشغال کنیم. بجای آن لازم است تا کشورهای مثل یمن، لیبیا و سومالیا را در راستای حفظ امنیت کمک کنیم تا خود شان امنیت خود را نگهدارند و به متحدین کمک کنیم تا جنگ علیه تروریسم را خود پیش ببرند، طوریکه در مالی اینکار صورت گرفته است و در صورت لزوم تا حدود امکانات ما به اقدام مستقیم علیه آنعده تروریست ها ادامه خواهیم داد که در برابر امریکا ایجاد خطر نمایند».

درباره افغانستان اوباما تصریح کرد: «در این بهار قوای ما به نقش حمایتی در خواهد آمد، در حالیکه قوای امنیتی افغان پیشقدم خواهند شد. امشب میتوانم علاوه کنم که در طول سال آینده 34000 عسکر دیگر امریکائی از افغانستان به وطن برمیگردند. این برگشت ها ادامه خواهد یافت و با ختم سال آینده جنگ ما در افغانستان پایان خواهد یافت. بعد از 2014 تعهد امریکا به یک افغانستان متحد و مستقل ادامه خواهد داشت، لکن ماهیت تعهد ما تغییر خواهد کرد. ما درباره عقد یک موافقتنامه با حکومت افغانستان در حال مذاکره هستیم که متمرکز به دو وظیفه است: یکی آموزش و تجهیز اردوی افغانستان، طوریکه آن کشور بار دیگر در لجن مصیبت فرو نرود و دیگر تلاش بر علیه تروریسم، تا بقایای القاعده و وابستگان شان را بتوانیم تعقیب و مراقبت کنیم» (1)

از متن فوق هدف اصلی امضای موافقتنامه امنیتی با افغانستان واضح میگردد و مقصد اساسی آن همانا ایجاد پایگاه های امریکائی برای ادامه مبارزه علیه تروریسم و بقایای القاعده در منطقه و بخصوص افغانستان و ماورای سرحد یعنی در پاکستان میباشد که از آن تاریخ به بعد با افزایش حملات طیاره های بی پیلوت در آنطرف سرحد این هدف دنبال میگردد. از آنجائیکه امریکا در پاکستان پایگاه ندارد، لذا یگانه امکان ادامه همچو فعالیت ها از افغانستان متصور است و چون با پایان رسیدن سال 2014 امریکا نمیتواند از میدانهای هوایی افغانستان علیه تروریست ها به وسیله طیارات بی پیلوت استفاده نماید، از آنرو امریکا به مقصد سرکوبی لانه های تروریستی و جلوگیری از انتشار فعالیت های شان در افغانستان، به داشتن پایگاه ها بخصوص در حواشی سرحد با پاکستان نیاز دارد.

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

دلایلی که نیاز امریکا را به داشتن پایگاه در افغانستان بیان میکند، در یک مقاله تحلیلی تحت عنوان «چرا عساکر امریکائی باید در افغانستان باقی بمانند؟» منتشره و اشنگتن پست مورخ 24 نوامبر 2014 به تفصیل تشریح شده است که مختصر آن ذیلاً تقدیم میگردد: (2)

طوریکه آشکار است، تمرکز اصلی تروریست ها در نواحی قبائلی پاکستان قرار دارد، برای امریکائی ها پس از خروج قوای شان از افغانستان فقط سه امکان برای مقابله با تروریست ها در آن مناطق وجود دارد: یکی استفاده از طیارات بی پیلوت، دیگر اعزام قوای مخصوص و سوم عملیات به وسیله فیر راکت های رهبری شده از طیارات جنگی. امکان سوم به دلیل نشانه گیری غیردقیق هدف از ارتفاع بلند با سرعت زیاد طیاره مشکل است و نیز خطر تخریب ساحوی و کشتار مردم بیگناه را بار می آورد، لذا استفاده از این امکان مطلوب نمی باشد. از انجائیکه استفاده از قوای مخصوص بوسیله هلیکوپتر و همچنان استفاده از طیاره های بی پیلوت از پایگاه های امریکائی مقیم کشور های خلیج نظر به بُعد فاصله و فقدان توانائی پرواز رفت و برگشت آنها به آن ساحه امکان پذیر نیست، لذا یگانه امکان همانا داشتن پایگاه ها در افغانستان است که میتوان از آن علیه تروریزم به وسیله طیاره های بی پیلوت و نیز در صورت لزوم از قوای مخصوص مجهز با هلیکوپتر های پیشرفته مقیم در پایگاه های افغانستان استفاده کرد.

چرا تأسیس پایگاه ها به موجودیت امن و ثبات در افغانستان نیاز دارد؟

جواب این سؤال بسیار ساده است: فقدان امن و ثبات در افغانستان بذات خود پایگاه ها را معروض به خطر می سازد و از پیشبرد هدف اصلی آن باز میدارد. هرگاه در کشور امن و ثبات قایم نگردد، امریکائی ها و ناتو مجبور خواهند بود بار دیگر برای حفظ پایگاه های خود به تشکیلات حمایتی نظامی در اطراف پایگاه ها بپردازند و در صورت حمله مخالفان از خود و از پایگاه ها دفاع نمایند. در نتیجه باز «همان آش و همان کاسه» خواهد بود و بار دیگر جنگ به بیرون پایگاه ها سرایت میکند و به تلفات ملکی می انجامد و جنجال بزرگ را برپا میکند.

آیا بدون پایگاه، امن و ثبات در کشور قایم شده میتواند؟

موجودیت پایگاه از چند طریق در تأمین امن و ثبات در کشور اثر می گذارد :

1. موجودیت پایگاه در عین زمان حضور قوای امریکائی و ناتو را در افغانستان توجیه میکند. موجودیت این قوا، ولو به تعداد محدود به اصطلاح یک «زهرچشم» به آنهایی است که منافع خود را در بی ثباتی و نا امنی در کشور جستجو میکنند، از جمله میتوان آنهایی را نام برد که: از بیرون کشور یعنی ماورای سرحدات در داخل نفوذ میکنند و به نا امنی و بی ثباتی در کشور دامن می زنند اعم از طالبان، شبکه حقانی و شاخه از حزب اسلامی و نیز گروه های مربوط به بقایای القاعده و طالبان پاکستانی؛ و نیز گروه های دیگر در داخل کشور از قبیل مافیای مواد مخدر، مافیای اقتصادی، عده ای از جنگسالاران سابق و قدرتمندان محلی که یک تعداد شان همین اکنون در داخل دستگاه دولت صاحب مقام اند و به قول معروف «روز ملنگ و شب پلنگ» میباشند.
2. یکی از اهداف عمده موجودیت قوای خارجی در چارچوب موافقتنامه امنیتی همانا تعلیم و تجهیز قوای امنیتی کشور اعم از اردوی ملی و پولیس ملی میباشد. اگر کمکهای امریکا در این ساحه تقلیل پیدا کند، قدرت دفاعی فعلی کشور به مشکل مواجه شده و خطر از هم پاشیدن آن بسیار زیاد خواهد بود، زیرا دولت افغانستان از توان تادیه معاش آنها را عاجز خواهد ماند، چه رسد به تجهیز و تقویه آن.
3. موجودیت قوای خارجی، ولو به تعداد کم باز هم تأثیر روانی مثبت بر زندگی عامه مردم دارد و احساس مسئولیت شان را روحاً بالا می برد و در پرتو آن از فرار سرمایه و فرار مغزها بخصوص مهاجرت ها جلوگیری میکند.
4. هرگاه اثر موجودیت پایگاه ها را در ارتباط بانفوذ گرائی کشورهای منطقه، بخصوص ایران و پاکستان در نظر گیریم، واضح است که اینکار آنها را در برابر یک «خط سرخ» قرار خواهد داد و وقتی متیقن شوند که قوای خارجی برای مدت اقل یک دهه قاطعانه در افغانستان اقامت خواهند داشت، در انصورت ممکن است آنها در سیاست های خود در قبال افغانستان مجبور به تغییر شوند. دلیل کسانیکه اقامت قوای خارجی را موجب تشدید فعالیت های خرابکارانه کشورهای همسایه میدانند، بسیار موجه نیست، زیرا همین اکنون پاکستان در معرض حملات تروریستی قرار دارد و ایران نیز میخواهد با امریکا به نحوی روابط خود را حسنه سازد.

د پانوی شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلینکې د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

از ورای توضیحات فوق میتوان به این نتیجه رسید که در شرایط کنونی موضوع امن و ثبات در کشور با موجودیت قوای خارجی ولو در چارچوب چند پایگاه نظامی، چنان باهم پیوند خورده و لازم و ملزوم یکدیگر شده اند که یکی بدون دیگری مفهوم و هدف اصلی خود را تبارز داده نمی تواند. شرط مهم برای موفقیت در زمینه آنست که طرفین معامله یعنی حکومت امریکا و افغانستان دست بدست هم دهند و صادقانه برطبق یک پالیسی آشکار برطبق منافع ملی هر دو کشور در پی ترمیم روابط ذات الیینی برآیند. اینکه رئیس جمهور کرزی به دلایل ناموجه از امضای موافقتنامه حذر میکند تا در تاریخ به «شاه شجاع» دیگر مسمی نشود، اینکار او گریز از مسئولیت و نادیده گرفتن منافع عالیای کشور است. هرگاه او از امضای آن ابا ورزد و در نتیجه کشور در این موقع حساس که انتخابات نیز در پیش است، به بحران بیشتر فرو رود، در آن صورت یقین داشته باشد که در تاریخ نام بدتر از شاه شجاع را کسب خواهد کرد.

همه میدانند که بهانه تراشی های کرزی، یکی به دلیل اینکه امریکائی ها نباید به خانه های مردم داخل شوند، در متن مسوده موافقتنامه حل گردیده و کرزی با آن قبلاً موافقه کرده است؛ دیگر اینکه کرزی از امریکائی ها میخواهد برپاکستان فشار بیاورد تا پاکستان طالبان را حاضر به مذاکره با کابل بسازد. در اینجا سؤال میشود که چگونه میتوان گروهی را که اصلاً نظام فعلی افغانستان را به رسمیت نمی شناسد و از هر نوع تماس با آن دوری می جوید، آنهم قبل از امضای موافقتنامه از طریق فشار برپاکستان آماده مذاکره ساخت؟

گاهی هم کرزی مسأله تضمین صلح و امنیت در کشور را به حیث پیش شرط برای امضای موافقتنامه مطرح می سازد که اینهم مثل «قبضه کردن اسپ از دم» است. در صورتیکه پس از 2014 مشروعیت قانونی برای اقامت قوای خارجی از طریق امضای یک موافقتنامه موجود نباشد، چگونه میتوان صلح و امنیت را تضمین کرد؟

تلاش برای ایجاد فضای امن و ثبات یکی از مسائل مغلقی است که نه تنها بسته به نقش قوای خارجی میباشد، بلکه بیشتر مربوط به چگونگی حکومتداری خوب بوسیله اراکین دولت و در راس آن رئیس جمهور است. یکی از دلایل عمده که امن و ثبات در کشور روز بروز برهم میخورد، موجودیت فساد گسترده، بی عدالتی، بیکاری، نقض قانون، بی برنامگی در تمام امور، بی کفایتی اورگانهای دولت، پارلمان و قضای ناسالم و عملیات مافیائی در داخل و خارج دولت است. تحت این شرایط قوای خارجی آنهم در قید یک موافقتنامه چگونه میتوانند امن و ثبات را در افغانستان تضمین کنند؟ رئیس جمهور کرزی باید از خود بپرسد که با موجودیت این حال و این احوال خارجی ها اولتر کدام یک از کجی های ما را راست کنند؟ آیا اصلاح این کارها وظیفه قوای خارجی است یا وظیفه دولت افغانستان؟

هرگاه موافقتنامه امضاً نشود، امریکا به چه اقدامات دیگر متوسل خواهد شد؟

در جواب این سؤال باید گفت که امریکا به منظور جلوگیری از شیوع مجدد تروریسم و گسترش حلقه تروریستها در منطقه به شمول افغانستان و پاکستان ناگزیر به دو اقدام خواهد شد:

یکی: اینکه امریکا و ناتو از طریق شورای امنیت ملل متحد به تداوم اقامت قوای «محدود» خود در افغانستان مبادرت ورزند که در حقیقت اینکار ادامه وضع فعلی خواهد بود و به قوای خارجی دست بسیار باز در عملیات شان در افغانستان خواهد داد. در این صورت سؤال میشود که کدام یک راه بهتر خواهد بود: آیا حضور قوای محدود خارجی برطبق یک موافقتنامه که در آن همه حدود وجایب و مکلفیت های طرفین قید گردیده باشد و یا اینکه بدون موجودیت موافقتنامه که قوای خارجی با دست باز و فقط با کسب صلاحیت از جانب یک مقام بین المللی به فعالیت در افغانستان بپردازند؟

دوم: اینکه هرگاه امریکا از داشتن پایگاه ها در افغانستان مأیوس گردد، میتواند با حکومت پاکستان در تفاهم شود و از یکی از پایگاه های آن کشور (طوریکه قبلاً در اختیار داشت) به مقصد استفاده از طیاره های بی پیلوت جهت سرکوبی شبکه های تروریستی مورد نظر خود استفاده کند. البته حکومت پاکستان درخفا از اینکار به خوشی استقبال خواهد کرد، زیرا پاکستان از این طریق میتواند به هدف نهائی خود یعنی پخش سلطه کامل خود بر «قبائل آزاد» نایل آید و در عین زمان در بدل دادن پایگاه، از امریکا امتیاز آنرا بگیرد تا بار دیگر نفوذ خود را در افغانستان به وسیله نصب یک حکومت دوست در واقع «مطیع» پخش کند. در اینحال جای شک و تردید نیست که افغانستان بار دیگر به وضع سالهای 1992 و بعد دچار خواهد شد و با شیوع مجدد جنگ ها بین «شمال و جنوب» کار به جایی خواهد

رسید که دیگر برای آینده افغانستان به حیث یک کشور کمتر امید ی باقی خواهد ماند. آنوقت مسئولیت این اوضاع بدوش کی خواهد افتاد؟ آیا بدنامی کرزی به حیث یک «خائین ملی» بیشتر از بدنامی تاریخی دیگران نخواهد بود؟

در پایان با تائید کامل نوشته پرمحتوای جناب محترم آقای مبارز عنوانی رئیس جمهور، علاوه میدارم که برای جلوگیری از سوء تفاهم لازم است در باره راه اندازی «نهضت عدم اطاعت» توضیح بیشتر ارائه گردد تا مردم از چگونگی آن آگاه شوند، در غیر آن زمینه بهره برداریهای خطیر سیاسی، بخصوص به نفع گروه های ماجراجو و آشوب گر که مترصد همچو حالت اند و نیز کسانی که میخواهند با این وضع به تدویر انتخابات صدمه برسانند، میسر خواهد شد و خدای ناخواسته در قبال آن کشور در این موقع حساس به موجی از نا آرامی ها مبدل خواهد شد که همین حالا قرار مسموع از طرف مخالفان موافقتنامه پی ریزی شده است.

(پایان)

مآخذ:

1- برگرفته از متن انگلیسی بیانیه سالانه رئیس جمهور اوپاما که بتاريخ 2 فیروزی 2013 در اجلاس مشترک سنا و مجلس نمایندگان امریکا ایراد کرد

2- مقاله : «چرا عساکر امریکائی در افغانستان باقی بمانند؟» ، نویسنده: کیگن کمبرلی و کیگن فریدریک

Kagen, Kimberly and Kagen, Frederick: Why U.S. troops stay in Afghanistan,
Washington Post, November 24, 2012

در مقاله فوق الذکر آمده است که: فاصله رفت و برگشت از وزیرستان شمالی تا نزدیکترین پایگاه امریکائی واقع کشور های خلیج بیش از 1200 میل است، در حالیکه طیاره های بی پیلوت قادر نیستند فاصله بیش از 1150 میل را طی کنند. در اینحال با موجودیت پایگاه در افغانستان این فاصله بسیار کوتاه میگردد مثلاً خوست و یا جلال آباد از محلات مورد نظر عملیاتی در آنسوی سرحد در حدود 100 میل فاصله دارند.

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ